

ویژگی‌های تاریخی در ردیه نویسی ابن شهرآشوب

محمد کاظم علیجانی^۱

مآده علیپور^۲

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

چکیده

۶۱

ابن شهرآشوب مازندارنی دانشمند ذوفنون شیعی در سده ششم هجری و نویسنده سه کتاب معالم العلماء، مناقب آل ابی طالب و مثالب النواصب با بن مایه‌های تاریخی است. کتاب مثالب النواصب وی کوششی است در ادامه سنت ردیه‌نویسی که بر کاستی‌ها و ضعف‌ها و مطاعن تأکید دارد. وی در این اثر کوشیده است با توجه به اوضاع سیاسی نامناسب شیعیان و با بهره‌گیری از ابزار تاریخ‌نویسی، جایگاه شیعیان را تقویت کند. در این مقاله ویژگی‌های تاریخی ردیه‌نویسی ابن شهرآشوب با تأکید بر کتاب مثالب النواصب و با استفاده از دو نسخه موجود از این کتاب بررسی شده است. ابن شهرآشوب با رویکرد تاریخی - کلامی و نگاه انتقادی به اخبار و تکیه بر سند و بهره‌گیری گسترده از منابع فریقین، شیوه‌ای را در تاریخ‌نویسی پیش گرفته که به‌زعم وی از سوی همگان مورد پذیرش قرار گیرد.

کلید واژه‌ها:

ابن شهرآشوب، تاریخ‌نویسی، ردیه‌نویسی، مثالب النواصب.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). mkalijani95@gmail.com.

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه الزهراء. maedealipour1370@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۷

۱. مقدمه

تاریخ‌نگاری امامیه بیشتر مجموعه‌ای از نگارش‌های از هم گسیخته حدیث محور بوده، که اکنون در قالب‌های گوناگون در دسترس است. بخشی از این نگارش‌ها را، کتاب‌های ردیه شکل داده که به‌منظور دفاع از امامان معصوم، بر ضعف‌های افراد مخالف جریان امامت تأکید دارد. گونه‌ای از ردیه نویسی‌ها، مثالب نویسی بود که از سوی نویسندگان شیعه، در پی بی‌مهری‌هایی که نسبت به امامان ایشان از سوی حکمرانان نخستین روا داشته شده بود، آغاز شد. این‌گونه نگارش‌ها، عکس‌العملی برآمده از نادیده انگاشتن حق مسلمی بود که علمای شیعه برای خاندان اهل بیت علیهم‌السلام قائل بودند. یکی از کسانی که در این عرصه دست به قلم برد، ابن شهر آشوب (۴۸۹-۵۸۸ق) مازندرانی است که پس از تألیف کتاب مناقب آل ابی طالب، کتابی دیگر با عنوان مثالب‌النواصب نگاشت. این اثر در اوج تنگنای شیعه نگاشته شد؛ ضمن این که مولف در پی اقدامات دستگاه حاکم مجبور به کوچ‌های اجباری بود (ابن‌ابی‌طی، ۸۵). استفاده گسترده از کتاب‌های تاریخی، همچنین آشنایی نویسنده با روش و سبک تاریخ‌نویسانی چون ابن اسحاق (۱۵۱ق) (ابن شهرآشوب، مثالب‌النواصب ناصریه، ۵۰۲، ۵۶۷)، ابو مخنف (۱۵۷ق) (همو، ۵۲۹)، هشام کلیبی (۲۰۴ق) (همو، ۵۲۰، ۵۶۷، ۵۶۹)، واقدی (۲۰۷ق) (همو، ۵۲۵، ۵۲۹) و مدائنی (۲۲۴ق) (همو، ۲۷۷، ۵۲۳، ۵۶۴) از ویژگی‌های برجسته کتاب مثالب‌النواصب است.

درباره این موضوع هیچگونه پیشینه پژوهشی یافته نشد. در کنگره ابن شهرآشوب در سال ۱۳۹۳، نیز مقاله‌ای دربار این موضوعه ارائه نشده است. ولی پژوهش‌هایی در باره ابن شهرآشوب و آثار وی صورت گرفته که نزدیک‌ترین آنها به موضوع این پژوهش، مقاله «دو نگاه و دو رویکرد: بازخوانی روشی دو کتاب «بعض مثالب‌النواصب» عبدالجلیل رازی و «مثالب‌النواصب» ابن شهرآشوب»^۱ است که نویسندگان تلاش دارند، تفاوت‌های روشی دو عالم شیعه در نگارش مثالب را بررسی نمایند.

این تحقیق از آن جهت اهمیت دارد که ابن شهرآشوب از معدود علمای شیعه است که بنابر مشیخه مناقب آل ابی طالب (ابن شهرآشوب، مناقب آل ابیطالب، ۶/۱)، به املائی کتب تاریخی نزد اهل فن اشاره کرده است. این موضوع وی را در زمره تاریخ پژوهان عصر خود قرار داده است. نگارش کتاب ردیه از سوی عالمی شیعی با سابقه شاگردی نزد دانشمندان شناخته شده اهل سنت

۱. تاریخ اسلام در آیین پژوهش، سال دوازدهم، شماره دو (۳۹)، زمستان ۱۳۹۴.

در سده‌های ششم و هفتم، این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که نگارش کتاب ردیه با چه ویژگی‌هایی صورت گرفت که اقتناع مخاطب را در پی داشت؟ از سوی دیگر کتاب مثالب النواصب ابن شهر آشوب از جمله آخرین کتاب‌ها از نوع مثالب نویسی بود که به سبک قدیم نوشته شد و بررسی آن ضروری است.

۲. ابن شهر آشوب

محمد بن علی ابن شهر آشوب در سال ۴۸۸ ق (تهرانی، الذریعه، ۲۰۱/۲۱) در مازندران به دنیا آمد، از این رو به سَرَوی (منسوب به ساری) نیز مشهور است (صفدی، ۱۶۴/۴؛ سبحانی، ۲۸۵/۶). منطقه‌ای که ابن شهر آشوب در آنجا سنین کودکی و نوجوانی را گذراند، مشهور به تشیع بود. او پس از سپری کردن تحصیلات عالی، لقب «شیخ الطائفه» (میرداماد، ۹۸) را بعد از شیخ طوسی به انحصار خود درآورد. جدش شهر آشوب شاگرد شیخ طوسی بود (تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ۲/۹۱) و با وجود اینکه ابن شهر آشوب در سنین کودکی جد خود را از دست داد، کتاب‌های شیخ را از طریق جد خود روایت کرده است (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ۶/۱؛ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ۲۷۳/۹؛ مامقانی، ۴۶۲/۲۴) پدر وی نیز از علمای بنام خطه طبرستان بود و ابن شهر آشوب مدتی نزد وی کسب علم کرد (نوری، مستدرک الوسائل، ۲۱/۶۶). ابن شهر آشوب مدت زیادی از عمر خود را در سفر گذراند. برخی شهرهایی که وی برای علم‌آموزی به آنها پای گذاشت بدین شرح است: در نیشابور از فتال نیشابوری در حدود سال ۵۰۸ حدیث شنید^۱ و در سفر دیگری در حدود سال ۵۱۳ مسند ابویعلی موصلی را نزد شحامی فراگرفت^۲. در خوارزم در سالهای ۵۲۸ به بعد به دیدار جارالله زمخشری رفت و کتاب کشف را از او دریافت کرد و در سال ۵۳۶ در سبزوار با فضل بن حسن طبرسی دیدار کرد و کتاب مجمع‌البیان را از او روایت کرد (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ۶/۱). کتاب‌های ابوالحسن بیهقی را در بیهق روایت کرد. در مشهدالرضا از محمد بن حسن شوهانی حدیث شنید^۳ (همو، ۱۱/۱). در ری کتاب‌های شیخ طوسی را از عبدالجلیل قزوینی استماع کرد و اجازه روایت روض‌الجنان و روح‌الجنان را از ابوالفتوح رازی نیشابوری گرفت (همان؛ امین، اعیان الشیعه،

۱. در همین سال فتال نیشابوری به شهادت رسید.

۲. زاهر بن طاهر الشحامی مسند خراسان، برای اطلاع بیشتر رجوع کنید: امین، سیدحسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ۱۹۱/۲.

۳. محمدبن حسن شوهانی که به خاطر سکونت در مشهدالرضا^ع به نزیل‌الرضا^ع مشهور بود (تهرانی، الذریعه، ۵/۵؛ نوری، ۱/۷۵۰؛ امین، اعیان الشیعه، ۹/۲۳۳).

۹/۷۵۴). شهرهای دیگری که وی پای گذاشت و حدیث شنید و از مولفان حاضر در آن شهرها اجازه روایت کتابشان را به دست آورد، بدین شرح است: کاشان^۱ (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ۱۱/۱)، اصفهان^۲ (همو، ۷/۱)، همدان^۳ (همو، ۹/۱)، بغداد^۴ (ابن ابی طی، ۸۵) حله^۵ (ابن بطریق، ۲۴)، موصل، حلب (ابن ابی طی، ۸۶).

باتوجه به سفرهای ابن شهر آشوب و دیدار و تلمذ نزد اساتید مختلف، او در بسیاری از علوم صاحب نظر شد. ابن ابی طی، ابن شهر آشوب را که استاد وی بود، از لحاظ جامعیت علمی چنین معرفی کرده است: «جامع المؤتلف من المختلف، المفرق من المختلّف، الفصل من الوصل و فرّق بین رجال الخاصّه و رجال العامّه» (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۳۰۹/۴۱). دانش‌هایی که ابن شهر آشوب در آنها تبحر داشت عبارتند از: فقه، اصول فقه، تفسیر، کلام، تاریخ، حدیث، نحو، شعر، رجال و ملل و نحل.

ابن شهر آشوب در بازه زمانی صد ساله عمر خویش، حکومت‌های مختلف و ضد شیعی غزنوی، سلجوقی، زنگی و ایوبی را درک کرد. تأثیر زندگی در سایه حکومت‌های سنی مسلک را، از اعتراض وی به وضع ناگوار فرهنگی موجود که خاندان اهل بیت علیهم‌السلام مورد ظلم واقع گشته‌اند، می‌توان دید^۶ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲). فراموشی فضائل

۱. کاشان مقصد دیگر احتمالی بین راهی سفر ابن شهر آشوب از مازندران به بغداد بود. ابوالرضا فضل الله بن علی الحسینی القاشانی الراوندی دیگر شیخ برجسته شیعه در سده ششم بود که ابن شهر آشوب را به این مأوای همیشگی شیعه کشاند. راوندی در این شهر زندگی می‌کرد و ابن شهر آشوب وی را در طریق سماع خود آورده است.

۲. وی در اصفهان به محضر عبداللطیف بن ابی سعد البغدادی الاصفهانی رسیده، از این رو کتابهای معرفه الصحابه و معرفه اصول الحدیث حاکم نیشابوری و حلیه الاولیاء ابونعیم را از وی روایت کرده است.

۳. در سالهای ۵۴۶ تا ۵۴۸ ق ابی العلاء بن ابی الفضل حسن بن زید در این شهر حضور داشت و استماع ابن شهر آشوب از وی در این شهر بود. وی کتاب ابن مردویه را از ابی العلاء نقل کرده است.

۴. در زمان حکومت المقتدی عباسی (۵۱۴ - ۵۵۵ ق) ابن شهر آشوب به سرآمد شهرهای علم و دانش اسلامی و مرکز حکومت عباسی، یعنی بغداد وارد شد. خطبه‌های ادیبانه وی - که متاسفانه از متن و مضمون آنها خبری نداریم - موجب تحیر اهل بغداد شد تا اینکه خلیفه عباسی - المقتدی - لقب‌های عزالدین و رشیدالدین به او داد. بر طبق گمانه زنی‌ها، مدت زمان حضور وی در بغداد بین هفت تا ده سال بود تا اینکه حنابله با شروع حکومت المستضی عباسی، جریان دینی شهر بغداد را به دست گرفته، عرصه را برای حضور علمایی چون ابن شهر آشوب تنگ ساختند. استماع از ابوالوقت سجزی در زمان حضور در بغداد بود (ابن شهر آشوب، مناقب، ۶/۱).

۵. ابن بطریق در کتاب خصایص الوحی المبین یکی از شیوخ خود را ابن شهر آشوب معرفی کرده است.

۶. در چهار صفحه (۲۹ تا ۳۲)، فهرستی از مجموعه افراد محبوس و تبعیدی و شهید شده اهل بیت می‌کند. ← «فلما اظهرت دولة العباسیه افتتح ابومسلم بقتل عبدالله بن الحسن بخراسان. ثم ستل المنصور سیفه فی آل علی علیهم‌السلام فقتلهم

اهل بیت علیهم السلام^۱ (همان، ۹، ۶۴) سرفرازی بدنامان تاریخ اسلام، کشتار شیعیان (همان، ۲۸، ۲۷)، تخریب حرم امامان^۲ (همان، ۳۰) وجود خاندان‌هایی که در قتل امام حسین علیه السلام نقش داشتند، ایجاد دواوین برای پرداخت حقوق به قاتلان امام حسین علیه السلام (همان)، تعظیم مکان‌هایی که سر امام حسین علیه السلام بر آن نصب شده بود (همان، ۷۷)، از نمونه‌ای از مطالبی است که ابن شهر آشوب در کتاب مثالب النواصب به آنها اشاره کرده و آن را نتیجه قدرت‌گیری حکومت‌های غیر شیعه دانسته است.

صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه برای ابن شهر آشوب ۲۶ اثر برشمرده است (تهرانی، الذریعه، ۴۲۷/۱؛ ۲۳۹/۲، ۳۷۸، ۳۹۵، ۴۷۶؛ ۱۷۷/۳؛ ۳۰۶؛ ۲۴۳/۴؛ ۲۱۱؛ ۲۳۶؛ ۱۷۰/۷، ۲۲۴؛ ۱۰/۱۰؛ ۲۴۳/۱۶؛ ۱۰/۱۹؛ ۶۲، ۷۶؛ ۲۳۱/۲۰؛ ۲۰۱/۲۱؛ ۳۱۸/۲۲؛ ۱۵۴/۲۳). از این تعداد، پنج اثر برجای مانده و چاپ شده است که عبارتند از: مناقب آل ابی طالب با تحقیق و ترجمه حسین صابری، متشابه القرآن و مختلفه با تحقیق حسن مصطفوی، معالم العلماء با تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم^۳ اعلام الطرائق^۴ و مثالب النواصب^۵. وی سال‌های پایانی عمر خویش را در شهر حلب گذراند و در سال ۵۸۸ درگذشت. مدفن وی در جبل جوشن شهر حلب واقع است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

من کل ناحیه و قصدهم بالجیوش الی کل جهة»، «و قتل یحیی بن عبدالله بعد الامان و الایمان و تاکید العهد و الضمان»، «و ممّن مات فی حبس موسی، صالح و ابراهیم ابنا یحیی بن عبدالله... و توقی محمد بن جعفر فی حبس نیشابور و محمد بن الحسن بن محمد فی حبس عسکر»، «و ممن مات طریدا، نحو عیسی بن زید و عبدالله بن موسی بن عبدالله»، «و ممّن رمی بهم بسهم نحو احمد بن علی بن اسماعیل فی نیشابور و جعفر بن موسی بن اسماعیل بمکه و جعفر بن علی الحسینی فی اسفراین».

۱. «و ترکوا حقیقه السماع فیحضر الصبی فی مجلس الشیخ و الشیخ بنام و الصبی یلعب ثم یکتب الشیخ اسم الصبی فی السماع و البالغ الذی یحضر یغفل و لا یسمع و لا یصغی و لا یضبط و ربما کان الشیخ فاسقا و یتروکوا احادیث اهل البيت علیهم السلام» (مثالب النواصب، ۹)؛ «و لقد عدل مصنفوا کتب الصحاح عن ایراد اکثر مناقب اهل البيت علیهم السلام» (مثالب النواصب، ۶۴).

۲. و هدم سبکتکین مشهد الرضا و احرق ابوابه و قتل عدّة من الشیعة.

۳. معالم العلماء، ابن شهر آشوب، نجف، چاپ دوم، مکتبه الحیدریه: ۱۳۸۰ ق. چاپ اول این ناشر دارای این مقدمه نیست.

۴. کتاب با تحقیق و تصحیح پژوهشگران محمدرضا مامقانی، سید محمدرضا جلالی، سیدعلی طباطبایی، سیدمحمد طباطبایی، مصطفی صدوقی احیاء شده است.

۵. نسخه خطی موجود در مرکز احیای تراث اسلامی به شماره ۶۸، مکتبه نصریه، لکنهو.

۴. مثالب النواصب ابن شهر آشوب^۱

مثالب‌نگاری ریشه در ایام‌العرب نویسی و انساب‌نگاری داشت (امامی‌فر، ۵۶). در ایام العرب‌ها بر زبونی‌ها و نقاط ضعف گروه مقابل تاکید می‌شد و در نسب‌نگاری، به حیطة و دامنه عیب‌های موجود در نسب و ریشه افراد ورود می‌شد. در شکل‌گیری روایت مثالب، درگیری قبایل نقش مهمی داشت؛ به گونه‌ای که وقتی دو قبیله از جنوب و شمال جزیره‌العرب با هم درگیر بودند، سعی می‌کردند از راه‌های مختلف یکدیگر را منکوب کردن کنند و در این مسیر، از ابزار شعر، رجز و بیان مثالب افراد بهره می‌بردند (ابن حزم، ۴۹۰).

اول کسی که بعد از اسلام دستور نگارش مثالب را داد، زیاد بن ابیه دانسته شده است. وی در جریان معرفی شدنش به عنوان پسر ابوسفیان، برای بستن دهان طعنه‌زندگان بر نسبش، دستور داد، کتابی برای مثالب عرب بنویسند. این کتاب به دست عبدالملک بن مروان رسید و با اطلاع از مضمون آن، دستور نابودی آن را داد (اصفهانی، ۲۶۵/۲۰). اما این جریان تمام نشد و هیثم بن عدی، معمر بن مثنی و علان شعوبی نگارش مثالب که در فرهنگ عرب پذیرفته شده بود را ادامه دادند.

مثالب‌نگاری شیعیان در پی چشم‌پوشی مسلمانان نسبت به برتری‌های امیرالمومنین علی علیه السلام نسبت به دیگر صحابه و فضیلت بخشی به آنها شکل گرفت. مثالب نویسی شیعه دامنه گسترده‌ای داشت و کتاب‌هایی با محتوای مثالب با هدف بیان عیب‌ها و طعن‌های دشمنان اهل بیت علیهم السلام نگاشته شد.

مثالب‌نویس شیعه می‌کوشید راه پیموده شده در طول بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبر اکرم را ناصواب معرفی کرده و دلایل خود را به صورت بیان عملکردهای اشتباه -خلاف اسلام- افرادی مشخص، مطرح نماید. در این راه، بیان برخی از عیب‌ها که به پیش از اسلام باز می‌گشت، به عنوان چاشنی و محرک، کاربرد فراوان یافت که موجب واکنش‌های مسلمین وفادار به جبهه خلفا شد و فرد مثالب‌نویس عنوان زندیق یا کافر یا خبیث کذاب گرفت.^۲

۱. کتاب مثالب النواصب ابن شهر آشوب دارای چند نسخه خطی است که عبارتند از: ۱. نسخه صاحب‌عبقات که تصویری از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود. ۲. نسخه کتابخانه سپهسالار تهران که تصویری از این دو نسخه در مرکز احیاء تراث اسلامی قم نگهداری می‌شود. چند تصحیح نیمه تمام نیز در باره مثالب النواصب انجام شده است که عبارتند از: تصحیح دکتر حسن انصاری، مجموعه فیش‌های ایشان برای کار تصحیح مثالب النواصب در جایجایی منزل مفقود شد. تصحیح شیخ فارس حسون که با درگذشت ایشان نیمه تمام ماند. وی کار تصحیح را در مؤسسه قائم آل محمد انجام داد. دو مصحح دیگر کار تصحیح را به اتمام رسانده‌اند، اما به ملاحظاتی کتاب را چاپ نکرده‌اند که متن تصحیح شده یکی از ایشان در اختیار نویسنده مقاله است. سرانجام بخشی از این کتاب در سه جلد توسط انتشاراتی گمنام در بغداد روانه بازار نشر شد.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ابن عدی، الکامل فی الضعفا، ۱۴۷/۵ ش ۱۳۱۱؛ مزی، تهذیب الکمال، ۶۱/۱۸ ش ۳۴۱۵؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۲۹۰/۴؛ خطیب، تاریخ بغداد، ۲۸۰/۱۰؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ۴۷۲/۲۹.

ابن شهر آشوب پس از گذشت سال‌ها از نگارش کتاب مناقب آل ابیطالب، هم زمان با استاد خویش عبدالجلیل رازی قزوینی و نویسنده کتاب مثالب النواصب فی نقض فضایح الروافض، به تدوین کتاب مثالب النواصب پرداخت^۱ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۴۳، ۳۵۲). این کتاب دارای پنج فصل به شرح زیر است: ۱. فصل فی الْمُتَقَدِّمِینَ وَ الْمُتَأَخِّرِینَ ۲. فصل فی مَثَالِبِ الْجَاهِلِیْنَ وَ الْجَاهِدِیْنَ الْغَاصِبِیْنَ ۳. فصل فی مَعَايِبِ النَّاکِثِیْنَ وَ الْقَاسِطِیْنَ وَ الْمَارِقِیْنَ ۴. فصل فی مَسَاوِی فُقَهَاءِ الضَّالِّیْنَ ۵. فصل فی مَخَازِی أَصْحَابِ الْمَقَالَاتِ وَ الْآرَاءِ الْمُبْتَدِعَةِ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب سپهسالار، ۸). ابن شهر آشوب در مقدمه به اوضاع نامطلوب به وجود آمده بعد از رحلت پیامبر اسلام اشاره کرده که موجب گمراهی بیشتر مسلمین شد و اسلامی بر جامعه مسلط شد که مدارا با ظالمین، شاخصه اصلی آن بود. فصل اول با مقدمه‌ای درباره تقیة آغاز می‌شود (همان، ۸) و ابن شهر آشوب به بیان شرایط سیاسی اجتماعی به وجود آمده در پی تشکیل حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس تا زمان خود می‌پردازد. در فصل دوم (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۴۳۶) اقدامات بعضی از خلفا را با آیات قرآن و برخی روایت تطبیق داده و از زبان شعر برای گیرایی مطلب بهره گرفته است. فصل سوم (همان، ۴۹۳) به موضوع دشمنان امام علی علیه السلام در دوره حکومت وی پرداخته است که چهار عنوان ناکثین و قاسطین و مارقین و خاذلین را در بر دارد و ابن شهر آشوب مجموعه کسانی را که به نوعی به اسلام و خاندان عصمت و طهارت ظلم روا داشته‌اند معرفی کرده است. فصل چهارم (همان، ۶۴۲) در مورد فقهایی است که در طریق کثرتابی معارف برای امت گام‌هایی برداشته‌اند و راه اصلی را بر مردم پوشانده‌اند؛ کسانی چون ابوحنیفه، مالک بن انس و شافعی در این گذر مورد ارزیابی ابن شهر آشوب قرار گرفته و نقاط ضعف ایشان در فتاوی و نقل روایت بیان شده است. فصل پنجم (همان، ۶۹۳) را باید افتتاح بابی جدید در مجموعه مطالعات مثالب نگاری دانست؛ فصل فی الادیان و الملل حدود سی صفحه از نسخه خطی را به خود اختصاص داده و نظم و تبویب زیبای ابن شهر آشوب، این فصل را از دیگر فصل‌ها متمایز کرده است. ارجاعات به کتاب مناقب آل ابی طالب در مثالب النواصب، حکایت از تدوین کتاب مثالب النواصب بعد از مناقب یعنی بعد از سال ۵۵۴ق دارد. از سوی دیگر در متشابه القرآن از مثالب النواصب روایت شده است، با توجه به تاریخ معین نگارش متشابه القرآن در سال ۵۷۱ق، مثالب النواصب، قبل از این سال نوشته شده است. کتاب از

۱. وی دو مرتبه در مثالب النواصب عبارت: «ذکرت فی مناقب آل ابی طالب» را به کار برده که دلالت بر تأخیر زمانی نگارش مثالب النواصب از مناقب دارد. همچنین در متشابه القرآن از نگارش کتاب مثالب النواصب یاد کرده است (متشابه القرآن، ۲۵۱/۱).

حیث غنای منابع تاریخ، حدیث، تفسیر، کلام و دیوان اشعار امتیاز و جایگاه بالایی را به خود اختصاص داده ولی از لحاظ دسته بندی و نحوه تدوین به پای کتاب مناقب آل ابیطالب نمی‌رسد. کتاب مثالب النواصب، کتابی فرهنگ ساز و اثر گذار در منابع پس از خود نبود، و نتوانست برای پس از خود به جریان مثالب نویسی استمرار بخشد. برخی نویسندگان روایات و گزارش‌هایی از این کتاب نقل کرده‌اند. بیاضی نباطی (۸۷۷ق) در صراط‌المستقیم (۳۱۸/۱؛ ۳۱۸/۳) روایاتی را از مثالب النواصب نقل کرده است. اسماعیل خاجویی (۱۱۷۷ق) در بشارات الشیعة (تهرانی، الذریعه، ۷۶/۱۹) و علی بن داوود استرآبادی در کتاب انساب النواصب از مثالب النواصب ابن شهر آشوب یاد کرده‌اند (همان، ۳۸۸/۲).

۵. ویژگی‌های تاریخی تألیف ابن شهرآشوب

برخی ویژگی‌های تاریخی در نگارش ابن شهرآشوب از حیث شیوه و روش به شرح زیر است:

الف. رویکرد تاریخی - کلامی

ابن شهر آشوب در پی تاریخ‌نگاری صرف نیست و با هدف خاصی دست به نگارش تاریخ زده است (ابن شهرآشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۱۱). او برای نشان دادن راه برگزیده خویش، سراغ دشمنان این راه رفته و به معرفی افراد ناصبی و ضعف آن پرداخته است و با استفاده از کتاب‌های تاریخی به تقویت آنچه می‌اندیشیده، همت گماشته است. ابن شهر آشوب قصد نگارش کتابی تاریخی دارد و در این مسیر به گزینش اخبار برای اثبات عقیده خود دست می‌زند (همان، ۵۰۲ تا ۵۲۹). این نوع نگارش را باید تألیفی تاریخی - کلامی دانست که نویسنده تلاش می‌کند، تاریخ را بنا بر عقیده خود روایت کند و در تحلیل روایات، خط قرمزها و ایستارهای کلامی را مورد نظر قرار دهد.

ب. دیدگاه انتقادی به اخبار

ابن شهرآشوب نگاه تحلیلی به حوادث دارد و می‌کوشد به ارزیابی اخبار بپردازد. برای نمونه او با طرح فصلی با عنوان «فصل فی ردالخبار الکاذبة»^۱ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه،

۱. برای نمونه نگاه کنید: ابن شهرآشوب، مثالب النواصب، نسخه ناصریه، صفحه ۱۷۷: «رَوَيْتُمْ أَنَّهُمَا سَيِّدَا كُهُولِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ هَذَا مِنْ وَضْعِ بَنِي أُمَيَّةٍ بَازَاءَ قَوْلِهِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (و روایت کردید که این دو نفر سرور پیران اهل بهشت هستند و این جعل از سوی بنی امیه صورت گرفته تا در برابر قول پیامبر اسلام که فرمود حسن و حسین سرور ←

۱۷۷، ۲۷۸، ۴۲۴، ۴۸۸) تلاش می‌کند، با توجه به رویدادهای نیم قرن اول هجری، فارغ از بررسی‌های سند، به نقد محتوایی روایات و تحلیل آنها بپردازد. با توجه به این رویکرد، ابن شهر آشوب را می‌توان به عنوان تاریخ نگاری آگاه از شرایط نگارش تاریخ معرفی کرد. ابن شهر آشوب به گرایش‌های راوی توجه بسیار کرده و کاستی‌ها و نقطه ضعف اخبار را راویان آن دانسته و گوید: «و ما آفة الأخبار إلا زواتها» (ابن شهر آشوب، مناقب آل ائمه، ۲/۱).

ج. تکیه بر اسناد

ابن شهر آشوب، مطالب خود را با سلسله سند نقل کرده و تمام اسنادهای خود را به افراد شاهد وقایع سال‌های اول تا چهارم هجری، مانند عبدالله بن عباس^۱ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب تصحیح شده، ۷۰/۳، ۷۱، ۷۷، ۱۱۲)، اصبع بن نباته^۲ (همان، ۷۲)، مطعم بن جبیر^۳ (همان، ۱۴۲)، براء بن عازب^۴ (همان، ۱۴۳) رسانده است. او در آوردن اسناد به دو نکته توجه می‌کند؛ اول این که اسناد را تا جایی ادامه می‌دهد که فرد گزارش گر، خود شاهد واقعه بوده است^۵ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۴۹۳)؛ دوم این که در چینش اسناد مربوط به یک

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

→ جوانان بهشت هستند قرار بگیرد) یا صفحه ۲۷۸: «للكم زويتم حديث الطير لعلي...» (حديث طير را روايت نكرديد) یا صفحه ۴۲۴: «قال بعض النواصب نزل قوله تعالى: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» فِي حَقِّ فُلَانٍ لِأَنَّهُ فَتَحَ بِلَادَ الْكُفْرِ» (برخی ناصبی‌ها گفتند: آیه: «خداوند به کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، وعده داده است که ایشان را حاکمان بر زمین قرار دهد» (۵۵ نور) در حق... نازل شده است چرا که بلاد کفر را فتح کرد).

۱. مثالب النواصب، تصحیح شده، ص ۷۰ و ۷۱ و ۷۷ و ۱۱۲.

۲. و فی حدیث اصبع بن نباته آنه قال رجل لاميرالمومنين عليه السلام هولاء القوم الذين تقاتلهم؛ الدعوه واحده، و الرسول واحد و الصلاه واحده و الحج واحد و فيم نسميهم؟ قال: سمهم بما سمهم الله «تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض منهم من كلم الله و رفع بعضهم درجات و آتينا عيسى ابن مريم النبيات و آيدناه بروح القدس و لو شاء الله ما اقتتل الذين من بعدهم من بعد ما جاءتهم النبيات و لكن اختلفوا فمنهم من آمن و منهم من كفر و لو شاء الله ما اقتتلوا و لكن الله يفعل ما يريد» (بقره، ۲۵۳)

۳. فی حدیث مطعم بن جبیر انس آنه طلق حفصه طليقه راجعها.

۴. البراء بن عازب فی خبر آنه دخل رسول الله علی حفصه. فقالت: یا رسول الله ما الذی اضحکک؟ فذکر آنه خديجه فی قصر من الجنه اعلاه یا قوت الحمراء»

۵. «و ذکر قاضی ابومحمد بن عبادة الکوفی عن عكرمة عن ابن عباس، ان علیاً كان يقول فی حیاة النبی علیه و آله السلام: ان الله تعالی يقول: «افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم» یا «و فی حدیث اصبع بن نباته آنه قال رجل لاميرالمومنين عليه السلام هولاء القوم الذين تقاتلهم» یا «و روی ابن شریح عن مجاهد عن ابن عباس ان النبی خطب فی حجه الوداع فقال: لاقتلن العمالقه فی کتیبه». ابن شهر آشوب طریق خود به این افراد را در مناقب آل ائمه آورده است (عبدالمهدی الاثنی عشری، مشیخه ابن شهر آشوب، تراثنا، ش ۴۰، ش ۴۱).

حادثه، به اسنادهای مهم و نویسندگان شناخته شده ارجاع می‌دهد^۱ (برای نمونه نگاه کنید: ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۲۱۵، ۳۰۶، ۳۳۸، ۳۵۳، ۳۶۱). ابن شهر آشوب با در پیش گرفتن چنین روندی در صدد است روایاتش را مورد قبول و پذیرش نشان دهد. ابن شهر آشوب با بیان مشیخه خود در ابتدای مناقب (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۶/۱) خود را از لزوم ذکر اسناد روایت در متن کتاب آزاد ساخته و در ابتدای هر روایت با یاد کرد از نام کتاب و فرد راوی شاهد واقعه، ماجرا را گزارش می‌کند.

نقل مطالب فاقد سند هر چند در کتاب مثالب به چشم می‌خورد، اما این موارد مربوط به روش ابن شهر آشوب نیست؛ بلکه برخی از موارد مربوط به اصل منبعی است که مورد استفاده ابن شهر آشوب قرار گرفته است. زیرا برخی منابع ابن شهر آشوب مانند فردوس الاخبار در بر دارنده حدود ده هزار حدیث بدون سند هستند که در این موارد، اتهامی متوجه ابن شهر آشوب نیست؛ زیرا در تمام نقل‌ها از این کتاب، نام فردوس الاخبار ذکر شده است.

د. نقل به معنی و اعتماد به حافظه

ابن شهر آشوب در نقل احادیث، دقت فراوانی کرده و تغییری در کلمات منابع حدیثی به وجود نیاورده است، اما در گزارش از منابع تاریخی، پابندی به واژگان متن ندارد و گزارش‌های تاریخی وی، تغییرات و تفاوت‌هایی با منبع اصلی دارد که حکایت از نقل از حافظه دارد. با مراجعه به منابعی که ابن شهر آشوب به آنها ارجاع داده، می‌توان به شیوه نقل مضمونی وی پی برد. به عنوان نمونه ابن شهر آشوب روایتی از ابن قتیبه، در مورد خارجی بودن امام حسین بن علی علیه السلام نقل کرده

۱. الخبر ذکرة البخاری و مسلم و الطبری و البلاذری و محمد بن اسحق و ابوبکر البیهقی و ابونعیم صاحب الحلیه و المصطفی السمعانی: «فلقه کرارا و من فر یكون فرارا» (ص ۲۱۵)؛ و فی تاریخ الطبری و البلاذری و کتاب الثقفی و الواقدی و عن طاووس و الزهری: ولی عمر مغیره بن شعبه علی البصره (ص ۳۰۶)؛ و قد رواه ابن عباس و جابر الانصاری و المسور بن مخرمه و سهل بن حنیف و ابوانل و القاضی عبدالجبار و ابوعلی الجبایی و ابومسلم الاصفهانی و ابویوسف القزوی و ابواسحاق الثعلبی و المسلم و البخاری و الطبری و السمعی و الواقدی و محمد بن اسحق و ابوعلی الموصلی: ب اجتمعت الامة علیها انه قال: ما شککت منذ اسلمت الا فی وقتین لما قال الله تعالی لیدخلن المسجد الحرام و...» (ص ۳۳۸)؛ محمد بن یحیی بلاذری و محمد بن اسحق و ابن جریر الطبری و الواقدی و ابوبکر البیهقی و فی دلائل النبوه و ابونعیم فی الحلیه و الاعتقاد عن عبدالله بن عمر و سهل بن سعد و سلمه بن الاکوع و الخدری و جابر الانصاری: انّ النبی صلعم بعث ابابکر برایة مع المهاجرین، ثم بعث عمر و رجع. فقال (الرسول): لاعطین الراية غدا رجلا یحب الله و رسوله و یحبه الله و رسوله کرارا غیر فرار... (ص ۳۵۳)؛ و فی روایه مشیخه المدینه نحو محمد بن قیس و محمد بن کعب و سعد بن مسلمه و سعید المنقری و عبدالله ابی ملیکه و غیرهم: انه قال الثانی و ان هذه الايات لفي كتاب الله يا ابابكر؟ قال: نعم. قال: اشهد بالله لقد محمد مات...» (ص ۳۶۱).

است. این مطلب در کتاب‌های ابن قتیبه با این عنوان به چشم نمی‌خورد، بلکه ابن قتیبه خروج امام حسین علیه السلام را خروج بر حاکم مسلمان دانسته است (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۱۷۱). در نمونه‌ای دیگر مسئله «کِلابُ الحَوَاب» را از تاریخ طبری اینگونه نقل کرده است: «فی تاریخ الطَّبری، أَنهَا لَمَّا سَمِعَتْ نَبَأُ الْکِلابِ، فَقَالَتْ: أَيُّ مَاءٍ هَذَا؟ فَقَالُوا: الْحَوَابُّ... قَالَتْ: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ: لَيْتَ شِعْرِي أَيْتَكُنَّ صَاحِبَةُ كِلابِ الْحَوَابِّ»^۱ (همان، ۴۹۵). حال آن‌که در متن تاریخ طبری، عبارت رسول خدا، اینگونه آمده است: «لَيْتَ شِعْرِي أَيْتَكُنَّ تُنْبِحُهَا كِلابُ الْحَوَابِّ» (طبری، ۴/۴۶۹). البته این امر تأثیر بسزایی بر معنای مورد نظر نویسنده نداشته است. مورد دیگر عبارتی از کتاب الشافی فی الامامه سید مرتضی است که در مثالب النواصب اینگونه نقل شده است: «و قَالَ الْمُرْتَضَى: فَإِنَّهُ رَجَعَ بَعْدَ الْيَأْسِ مِنَ الظَّفَرِ لِأَجْلِ هَذَا»^۲ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۵۳۱). در حالی در اصل کتاب، چنین آمده است: «فَلَعَلَّهُ رَجَعَ لِهَذَا وَ لِأَنَّهُ أَيْسٌ مِنَ الظَّفَرِ، فَإِنْ رُجِعَهُ كَانَ بَعْدَ قَتْلِ طَلْحَةَ»^۳ (مرتضی، ۳۳۴/۴، ۳۳۶).

ر. گستردگی و تنوع منابع

در کتاب مثالب النواصب به نام شصت و چهار کتاب اشاره شده که نویسنده از آنها بهره برده است. کتاب‌های مورد استفاده ابن شهر آشوب را بر اساس اهمیت و رتبه، می‌توان به صورت زیر رده‌بندی کرد:

۱. شعر

اشعار از جمله مستندات و منابع اصلی ابن شهر آشوب در نگارش کتاب مثالب النواصب است. مثالب‌نویسی با چاشنی شعر به نوعی واکنش و مبارزه با دستگاه حاکم بود که پاسداری از سنت‌های رایج را برعهده داشت و تخصص ابن شهر آشوب در شعرشناسی موجب شد، تا از بیش از ۶۰ شاعر که بیشتر آنها شناخته شده و در شکل‌گیری ادبیات سیاسی تشیع نقش اساسی

۱. در تاریخ طبری آمده است که: زمانی که عایشه صدای سگ‌های منطقه حوآب را شنید، پرسید: اینجا کجاست؟ گفتند: حوآب... عایشه کلمات استرجاع را بر زبان جاری کرد و گفت: از رسول خدا شنیدم: کاش می‌دانستم کدام یک از شما با سگ‌های منطقه حوآب همراه می‌شود؟

۲. و مرتضی گفت: همانا (زبیر) پس از ناامیدی از پیروزی، بازگشت (یعنی پشیمان شد).

۳. بازگشت او (زبیر) به دلیلی ناامیدی از پیروزی بود و این امر پس از قتل طلحه بود.

داشته‌اند، اشعاری بیاورد. شاعرانی چون سید حمیری^۱ (۱۷۳ق)، منصور النمری^۲ (۱۹۰ق)، دیک الجن (حمصی)^۳ (۲۳۶ق)، دعبل خزاعی (م ۲۴۵ ق)، ابوالقاسم الزاهی^۴ (۳۵۲ق)، صاحب بن عباد^۵ (م ۳۸۵ق)، البشنوی^۶ (م ۳۸۰ق)، ابوالمعالی (ابن عودی) نیلی^۷ (م ۵۵۸ق)، از جمله شاعرانی هستند که ابن شهر آشوب به آنان استناد کرده است. دیوان‌هایی چون دیوان الزاهی و دیوان البشنوی امروز در دست نیست و تنها راه آشنایی با آنها، اشعاری است که ابن شهر آشوب نقل کرده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۷۲

۲. تاریخ

تمایز ابن شهر آشوب از علمای شیعه پیش از خود، در املاهای کتاب‌های تاریخی مانند تاریخ الرسل و الملوك، انساب الاشراف، تاریخ بغداد، الاغانی، العقد الفرید و المعارف نزد عالمان بنام است؛ ضمن اینکه وی برای نقل این کتاب‌ها اجازه روایی دریافت کرده است (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ۶/۱). اهتمام وی به داشتن اجازه برای نقل از این کتاب‌ها، بر ارزش نگارش‌های وی می‌افزاید.

مهمترین کتاب‌های تاریخی مورد استفاده وی به شرح زیر است: کتاب الدار واقدی^۸ (۲۰۹ق)، وقعه صفین نصر بن مزاحم منقری^۹ (۲۱۲)، المعارف ابن قتیبه^{۱۰} (۲۷۶ق)، المَعْرِفَةُ و

۱. السيد الحمیری: الم یعهد الیک الله ان لا تری ایدا من المتبرجینا؟ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب، ۵۱۰)

۲. وکان منصور النمری یشیع وینافق الرشید حتی بلغ قصیده منها: تقتل ذریه النبی ویرجون جنان الخلود للقاتل (همان، ۵۹۰).

۳. دیک الجن: اخطات الامب و لم تصوب من شک فلیسال کلاب الحواب (همو، ۴۹۵)

۴. الزاهی: کم نُهیت عن تبرج فعصت و اصبحت للخلاف متبّعه (همو، ۵۱۱)

۵. الصاحب: هل صیر الله النساء ائمة با أمة مثل النعام المهمل (همو، ۵۱۰)

۶. البشنوی: و ما للنساء و حرب الرجال و هل غلبت انثی ذکر؟ (همو، ۵۱۱)

۷. نیلی: مهلهل المسکین لا عقل له روی بجهل خبر الدهله (همو، ۴۹۷)

۸. الواقدی: قال لها عمّار: کیف ضرب بینک علی الحق؟ فقال: استبصرت یا عمّار من اجل انک غلبت؟ فقال؟ انا اشدّ استبصارا من ذلک» (همان، ۵۰۷)

۹. و فی روایه نصر بن مزاحم المنقری لما شاورت ام سلمه فی الخروج الی قتله عثمان فقالت: انت بالامس تشهدین علیه بالکفر و هو الیوم قتل مطلوما؟ و ما للناس و قتال الرجال؟؟ اتخرجین علی امیرالمومنین؟ و انت امراه من بنی تمیم و عثمان من بنی امیه (همو، ۴۹۶).

۱۰. و ذکر القتیبی فی المعارف: انه (طلحه) لم یحضر بدرا (همو، ۵۲۰).

التاریخ فسوی (۲۷۷ق)، أنساب الأشراف بلاذری^۱ (۲۷۹ق)، تاریخ طبری^۲ (۳۱۰ق)، الفتوح ابن
اعثم^۳ (۳۱۴ق)، عقد الفرید ابن عبد ربّه^۴ (۳۲۸ق)، مروج الذهب مسعودی (۳۴۶ق)، الأغانی
ابوالفرج اصفهانی^۵ (۳۵۶ق)، نزهة الأبصار مامطیری^۶ (۳۶۰ق)، صفوة التاریخ جرجانی^۷
(۳۶۲ق)، الانتباه خرگوشی^۸ (۴۰۶ق)، تجارب الأمم ابوعلی مسکویه^۹ (۴۲۱ق)، حلیة الاولیاء
ابونعیم اصفهانی^{۱۰} (۴۳۰ق)، تاریخ بغداد خطیب بغدادی (۴۶۳ق)، ربیع الابرار زمخشری^{۱۱}
(۵۳۸)، إعلام الزری بإعلام الهدی طبرسی^{۱۲} (۵۴۸ق)، خصال الملوك موسى بن عيسى^{۱۳}.

۱. و فی تاریخ البلاذری: انه وقع بين..... منازعة. فقالت اسرجواا الی بغل. فقال محمد بن ابی بکر: قرّی فی بیتک ما غسنا
روسنا من یوم الجمّل (همو، ۵۱۹).
۲. و فی تاریخ الطبری: قال سهل بن سعد: انّ عسکر البصره لّمّا اخذوا عثمان بن حنیف شاوروا عائشه فی امره. قالت: اقلّوه»
(همو، ۵۰۶).
۳. و روی اعثم الكوفي فی الفتوح حدیث كلاب الحوآب (همو، ۴۹۵).
۴. و فی العقد: انه قال عبدالملک لثابت بن عبدالله بن الزبیر: كان ابوک اعلم بک حیث یشتکم، قال: یا امیرالمومنین انّما کان
یشتمنی لاتی كنت انهاء ان یقاتل اهل المدینة و اهل مکة (همو، ۵۳۶).
۵. و فی الاغانی: انه قبل لابن لعائشة المغنی: انت ابن عائشة ام المومنین؟ قال: لا انا مولی لقریش و العائشة هی امی (همو، ۵۱۰).
۶. ابوالحسن بهاء الدین علی بن مهدی طبری مامطیری - منسوب به مامطیر در نواحی آمل - از عالمان زیدی مذهب بوده است.
ابن شهر آشوب در کتب خویش چندین مرتبه از آثار وی با نام های: المجالس، نزهة الابصار همجنین مقتل امام حسین علیه السلام یاد
می کند (نگاه کنید: صابری، کتابخانه ابن شهر آشوب، ۳۴۵)؛ و ابوالعباس بن مهدی فی نزهة الابصار: لّمّا عزمتم علی الخروج
نهیتم ام سلمة و قالت: انک سُدّة بین رسول الله و بین امّته» (همو، ۵۰۴).
۷. و فی صفوة التاریخ: انه لّمّا استلحق معاویه نسب زیاد بابیه - ابوسفیان - قال له عبدالله بن عامر: انّ قریشا یحلفون انب
اباسفیان لم ینز بهیمته (همو، ۵۴۶).
۸. «و امرأة مومنة» ما بال النساء یبذلن انفسهن بلامهر، فنزلت الآیه. فقالت: ما ارى الله الا یسارع فی هواک. الخرگوشی فی
الانتباه (همو، ۵۱۸).
۹. و تجارب الامم عن ابن مسکویه: لّمّا انتهى الی الحمیراء قتل علی علیه السلام قالت: فآلقت عصاها و استقرّت بها النوی... کما قرّ
عینا بالایاب المصافر» (همو، ۵۰۲).
۱۰. و ابونعیم فی حلیة الاولیاء: بالاسناد عن محمد بن حنفیه عن علی فی آخر احتجاجه علی ابی بکر بثلاث و اربعین خصله:
قال: نشدتکم بالله هل علمتم انّ عائشه قال لرسول الله انّ ابراهیم لیس منک؟ (همو، ۵۱۸).
۱۱. و کان معاویة یعزی الی أربعة: الی مسافر بن ابی عمرو و الی عمارة بن الولید و الی العباس بن عبد المطلب، و الی الصباح مغن
أسود کان لعمارة. قالوا: کان أبو سفیان دمیما قصیرا، و کان للصباح عسیفا لأبی سفیان شابا و سیما، فدعته هند الی نفسها (همو، ۵۴۰).
۱۲. و فی کتاب اعلام الوری ابنه تزوّج النبی علیه و آله السلام بامراره من بنی کنده یقال سناة و سلّمها الی عائشه و حفصه و قال
لهما: اصلحاهما... فلّمّا فرغتا، قالت احدیهما: ابنه یعجبه ان تقول له المرأة: اعوذ بالله منک. فقالت له ذلك. فقال علیه و آله
السلام لها: «لقد عدت بعظیم» (همو، ۵۱۷).
۱۳. و روی فی خصال الملوك عن ابی جبیر عن ابن عباس: لّمّا انهزم اصحاب الجمّل نزلت عائشه فی قصر بنی حلف بالبصره
فارسلنی الیها امیرالمومنین فیأمرها بقلة الفرجة بالبصره و التهینة الی المدینة» (همو، ۵۰۳).

از میان کتاب‌های یاد شده برخی مانند تاریخ طبری، تاریخ بلاذری و مروج الذهب مسعودی مشهور هستند و از برخی دیگر مانند صفوة التاريخ و خصال الملوك جز نام نمانده است. استفاده از کتاب‌های تاریخی در تدوین کتاب مثالب النواصب، اعتبار کتاب را افزایش داده و به لحاظ محتوا می‌تواند آن را به درجه کتابهای معتبر ارتقا دهد.

۳. حدیث

ابن شهرآشوب از منابع حدیثی اهل سنت در نگارش مثالب النواصب بهره برده است. ویژگی ممتاز ابن شهرآشوب در بخش حدیث، سماع آن نزد اساتید برجسته حدیث بود است. وی از کتاب‌های معروف حدیثی چون صحیح مسلم و صحیح بخاری و سنن ترمذی و مسند ابویعلی موصلی، مسند احمد بن حنبل و الفائق زمخشری بهره برده است. بهره‌گیری از کتاب‌های فریقین کاری است که در آثار پیش از وی ناپیدا است. برخی از منابع حدیثی اهل سنت کتاب مثالب النواصب به شرح است: مُسْنَدُ شَافِعِي^۱ (م ۱۷۹ق)، مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ^۲ (م ۲۴۱ق)، صَحِيحُ بُخَارِي^۳ (م ۲۵۶ق)، صَحِيحُ مُسْلِمٍ^۴ (م ۲۶۱ق)، سُنَنُ إِبْنِ مَاجَةَ^۵ (م ۲۷۵ق)، سُنَنُ تَرْمِذِي^۶ (م ۲۷۹ق)، مُسْنَدُ أَبُو يَعْلَى مَوْصِلِي^۷ (م ۳۰۷ق)، الْإِبَانَةُ خَرَّغُوشِي^۸ (م ۴۰۷ق)، اللَّوَامِعُ خَرَّغُوشِي^۹

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۷۴

۱. و قال شافعی: «أَمْهَاتِهِمْ» فی معنی دون معنی (همو، ۵۱۷).
۲. و فی مسند احمد، قال ابن عمر: قال النبی فی بیت عائشه: «من هنا تطلع الفتنة» (ابن شهرآشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۴۹۴)
۳. البخاری قال: قال ابویکرة لقد نفعنی الله بکلمه سمعتها من رسول الله: انّ اهل الفارس قد ملکوا علیهم بنت کسری» (ابن شهرآشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۴۹۶).
۴. و روی المسلم و البخاری عن عروة عنها قالت: دخل رسول الله ﷺ انّه كان عندی جاريتان تغتبان بغناء بعثت، فاضطجع النبی علی الفراش و...» (ابن شهرآشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۴۹۷)
۵. و فی روایه ابن ماجه: انّه احدث المنبر فی الصلاه لا فقال ابوسعید الخدری: ایش هذه البدعه؟؟ والله لا صلیت من وراک ابدا (همو، ۵۳۶).
۶. الترمذی: قال ابن عباس: سالت عمر: من اللتان تظاهرتا علی رسول الله؟ (همان)
۷. ابویعلی: قال ابن عباس: سالت عمر: من اللتان تظاهرتا علی رسول الله؟ (ابن شهرآشوب، مثالب النواصب، ۵۱۲)
۸. «و امرأة مومنة» ما بال النساء يبذلن انفسهن بلامهر، فنزلت الآیه. فقالت: ما اری الله الا یسارع فی هواک. الخرگوشی فی الابتاه و فی الابانه (همو، ۵۱۸).
۹. و فی لوامع الخرگوشی: انّ النبی قال: «من قاتلنی فی الاولی و قاتل اهل بیتی فی الثانیه فاولئک شیعه الدجال» (همو، ۵۲۱)؛ نگاه کنید: به یادداشت حسن انصاری قمی درباره کتاب گمشده اللوامع در سایت کاتبان به آدرس:

فضائل امیرالمومنین ابن مُردویه^۱ (۴۱۰ ق)، اعلامُ الثبوةِ ماوردی^۲ (م ۴۵۰ ق)، فردوس الأخبار شیرویه بن شهردار دیلمی^۳ (م ۵۰۹ ق)، الفائق فی غریب الحدیث زَمَخْشَری^۴ (م ۵۳۸ ق)، الاربعین خوارزمی^۵ (۵۶۸ ق). استفاده وی از کتاب‌های حدیثی اهل سنت، به جهت اعتبار آنها نیست، بلکه ابن شهر آشوب، از این منابع برای الزام خصم و به جهت اقتناع و اسکات ایشان در جدال‌های مذهبی بهره برده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۷۵

۴. تراجم و رجال

ابن شهر آشوب در علم رجال تخصص داشت^۶ (ذهبی، میزان الاعتدال، ۳۱۰/۴۱) از این رو آگاهی‌های درخور توجه و اطلاعات مختصر و مفید و بسنده‌ای درباره مثالب افراد ارائه کرده است. انساب الاشراف بلاذری و المعارف ابن قتیبیه به صورت مکرر مورد استفاده وی قرار گرفته است^۷ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۵۸۶ تا ۵۹۱).

۵. تفسیر

ابن شهر آشوب در مناقب آل‌ابی طالب و در مثالب النواصب، از تفسیر آیات، استفاده فراوان برده و این موضوع در مثالب النواصب، نمود بیشتری یافته است. در ابتدای هر فصل، آیه ای از قرآن^۸ (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۱۱، ۴۳۶، ۴۹۳، ۶۴۲، ۶۹۳) طلایحه بحث قرار

۱. رواه الحافظ ابن مردویه فی کتاب فضائل امیرالمومنین من ثمانمائه طرق (روایت: فقال رسول الله: «انک (زبیر) سقائله و انت ظلام له» (همو، ۵۲۹).

۲. و روی القاضی ابوالحسن الماوردی عن ابن عباس: قال النبی لسانه: «اَیْتَكَنَّ صاحِبَةُ الجمل الاذنب» (همان).

۳. و الکیاشرویه فی الفردوس عن ابن عباس: قال النبی لسانه: «اَیْتَكَنَّ صاحِبَةُ الجمل الاذنب» (همان).

۴. و فی غریب الحدیث قالت عائشه: کان النبی یصبح جنباً فی شهر رمضان من غیر احتلام ثم یصوم (همان، ۴۹۷).

۵. و الموفق المکی الخطیب الخوارزم فی الاربعین: قال سالم بن ابی الجعد ذکر النبی خروج بعض نسانه. فضحکت الحمیراء. فقال: انظری یا حمیراء لا تکنونین هی (همو، ۴۹۵).

۶. کتاب معالم العلماء که تکمیل رجال شیخ طوسی است توسط وی نوشته شده است و مورد استناد رجالیون شیعه بوده است.

۷. ابن شهر آشوب در پنج صفحه با عنوان فصل فی الخاذلین اطلاعات شخصیتی خوبی درباره برخی افراد چون زید بن ثابت، سعد ابی وقاص، ابوهریره و ... ارائه می کند.

۸. نمونه: «و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقاتلوا ائمة الکفر انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون» (توبه ۱۲:۹) (و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر بیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند!) این آیه ابتدای باب الناکثین آمده است. بخشی از آیه ۳۳ ←

گرفته، سپس روایات تفسیری، یاد شده است. تفسیر السدی^۱ (۱۲۸ق)، تفسیر القرآن ابوالاسحاق الزجاج^۲ (۳۱۱ق)، تفسیر ابوالاسحاق ثعلبی^۳ (۴۲۷ق)، مجمع البیان آمین الإسلام طبرسی^۴ (۴۵۴ق)، تفسیر عبدالکریم هوازنی قشیری^۵ (۴۶۵ق)، أسباب النزول^۶ و الوسیط فی تفسیر القرآن از واحدی نیشابوری^۷ (۴۶۸)، تاج التراجیم شاهفور بن طاهر اسفراینی^۸ (۴۷۱ق) از جمله کتب تفسیری پر استناد ابن شهر آشوب است.

۵-۶-۵. پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

کتاب‌های کلامی شیخ طوسی و استادش شیخ مفید، بیشترین ارجاع را در مجموعه کتاب‌های کلامی دارد. به نظر می‌رسد اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، تاثیر بسزایی در شکل‌گیری نگرش کلامی ابن شهر آشوب داشته است، به طوری که تحلیل‌های وی، بسیار شبیه تحلیل‌های شیخ مفید در المسألة الکافئة بوده و نوع تلفیق عقل و روایت و در نهایت به چالش کشیدن مخالفین، شباهت‌هایی به روش کلامی متقن شیخ مفید دارد. کتاب تلخیص الشافی شیخ طوسی^۹ (ابن

سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸

۷۶

- سوره احزاب که درباره همسران پیامبر است «و قرن فی بیوتکن» (و در خانه‌های خود بمانید) را ابتدای بحث از عایشه می‌آورد. و یا درباره طلحه بن عبدالله آیه «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا...» (کهف ۱۰۳: ۱۸) (بگو آیا شما را خبر دهیم زیانکارترین مردم چه کسانی هستند؟)
۱. ابو محمد اسماعیل بن عبد الرحمن الکوفی؛ ر.ک: الکنی و اللقب، ج ۲، ص ۳۱۱؛ السدی؛ نزلت (واتقوا فتنه لاتصیبن الذین ظلموا...) فی اهل بدر، فاصابتهم یوم الجمال فاقتتلوا (همو، ۵۲۷).
 ۲. الزجاج: روی عبید بن عمیر عن عائشه: کان رسول الله یشرب عسلا عند زینب بنت جحش و یمکث عندها (همو، ۵۱۳)
 ۳. الثعلبی فی تفسیره: روی انس ان ام سلمه ربطت حقوقها سفلة. فقالت عائشه لحفصه: انظری ما تجرّ خلفها، کانه بلسان کلب. فانزل الله تعالی: «یا ایها الذین امنوا لا یسخر بقوم...» (همو، ۵۱۷).
 ۴. مجمع البیان فی تفسیر قوله تعالی: «وامرأة مومنة» ما بال النساء یبذلن انفسهن بلامهر، فنزلت الآیه. فقالت: ما اری الله الا یسارع فی هواک (همو، ۵۱۸).
 ۵. القشیری فی تفسیره عن انس و عن ابن عباس: ان صفیه بنت حی بن اخطب جاءت الی النبی فقال لها: ما وراک؟ قالت: انھا تعیرنی و تقول: یهودیه بنت یهودین. فقال لها: هلا قلت لها: «ابی هارون و عمی موسی و زوجی محمد» فنزل قوله تعالی: «و لا تنازروا باللقاب» (ابن شهر آشوب، مثالب النواصب ناصریه، ۴۹۹).
 ۶. و فی اسباب النزول عن الواحزی فی الحدیث انس: انه طلق حفصه تطلیقة ثم راجعها (همو، ۵۱۲).
 ۷. و ذکر الواحدی فی الوسیط: فی تفسیر قوله: «ان تبدوا شینا» یعنی طلحه (همو، ۵۲۰).
 ۸. قرأت فی الاعانی و تاج التراجیم و الزهره: انه روی عن ابن جبیر و ابن عباس و قتاده و الباقر علیه السلام فی قوله: «افمن کان مومنا کمن کان فاسقا...» و ذلك ان الولید (بن عقبه) قال لامیرالمومنین: انا احد منک سنانا و ابسط لسانا و ابلا منک... فقال امیرالمومنین: «لیس کما قلت یا فاسق...» فلما نزلن الایات (همو، ۵۳۷، ۵۳۸).
 ۹. و فی تلخیص الشافی: ثم مرّ بکعب بن مرّ. فقال: والذي فلق الحبه و برء النسمة انهما لیسمعان ما اقول کما سمع اهل القلیب ما قال لهم رسول الله صلى الله عليه وسلم (همو، ۵۲۵).

شہر آشوب، مثالب النواصب ناصرہ، ۵۲۵) و کتاب المسالہ الکافئۃ^۱ از شیخ مفید (ہمان، ۵۰۷)، مکرر مورد استفادہ ابن شہر آشوب قرار گرفتہ است.

نتیجہ

ابن شہر آشوب با نگارش کتاب مثالب النواصب، کوشید جامعہ شیعی را منسجم سازد. او با در اختیار داشتن منابع اہل سنت و گزینش مطالبِ مطلوبِ خویش درصددِ مخدوش نشان دادن عملکرد بزرگانِ گروہ رقیب بود و راہ طی شدہ آنان را مسیر استوار نمی دانست. او در تاریخ نویسی با رویکرد کلامی، دیدگاہ انتقادی داشت و با تکیہ بر اسناد و استفادہ بسیار گستردہ از منابع، درصددِ نشان دادن حقانیت شیعیان بود. ابن شہر آشوب در این راہ، شیوہ بہرہ گیری از تمام انواع مواد کمک کار تاریخ، همچون شعر، حدیث، تفسیر و کلام را پی گرفت و منابع گوناگونی را برای رسیدن بہ ہدف خویش بازخوانی کرد. روش او را می توان روش خبری، ہمراہ با آوردن و بہ رخ کشیدن اخبار گوناگون و متنوع دانست کہ خوانندہ کتاب ہر چند ہمہ آن را نپذیرد، اما تسلیم بخشی از آن خواہد شد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی طی، یحیی بن حمید، الحاوی فی رجال الشیعہ الامامیہ، تحقیق رسول جعفریان، بی جا، بی نام (نرم افزار رجال شیعہ مرکز تحقیقات کامپیوتری نور، ۱۳۷۹).
- ابن شہر آشوب، محمد بن علی، متشابہ القرآن، قم، بیدار، بی تا.
- ابن شہر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب، بیروت، طبعہ دارالاضواء، ۱۴۱۲ ق.
- _____، مثالب النواصب (نسخہ خطی ناصرہ لکنہو) (رقم ۶۸)، قم، کتابخانہ مرکز احیا تراث اسلامی.
- _____، مثالب النواصب (نسخہ خطی مدرسہ سپہسالار)، تہران، مدرسہ عالی شہید مطہری، بی تا.

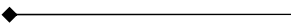
۱. و ممّا ذکر الشیخ المفید فی المسالہ الکافئۃ فی تفسیق فرقہ الخاطئۃ: ولمّا حمل محمد بن ابی بکر ہودجہا لینزلہا الی الارض، قالت لہ: من انت؟ قال: انا اخوک البرّ. قال: کیف رایت ہولاء الذین اخرجوک و عزّوک و استفزّوک؟؟ فقالت: لیسوا بضلال و لکنہم مہتدون. فقال: حکم اللہ علیہم (ابن شہر آشوب، مثالب النواصب ناصرہ، ۵۰۷).

- ۱۴۳۶ق. - _____ ، مثالب النواصب (تصحیح شده)، بغداد، دارالوفاق الوطنی، ۱۴۳۶ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- ابن بطریق، یحیی، خصائص الوحی المبین، تحقیق محمداقرا محمودی، تهران، ۱۴۰۶
- ابن حزم، علی بن احمد، جمهره انساب العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ابن عدی الجرجانی، عبدالله، الکامل فی الضعفاء، تحقیق یحیی مختار غزاوی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- امامی فر، علی، تاریخنگاران شیعه قم، پارسایان، ۱۳۸۳.
- امین، سیدحسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- _____ ، مستدرکات اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
- اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی، بیروت، دارالاحیاء لتراث العربی، ۱۴۱۵ق.
- تهرانی، آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه، تحقیق علی نقی منزوی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۲ق.
- _____ ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد و ذیوله، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- داداش نژاد، منصور، علیجانی، محمدکاظم، «دو نگاه دو رویکرد: بازخوانی روشی دو کتاب مثالب النواصب عبدالجلیل رازی و مثالب النواصب ابن شهر آشوب»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال دوازدهم، شماره دو (۳۹)، زمستان ۱۳۹۴.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
- _____ ، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق عادل عبدالموجود و محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵م.
- سبحانی، جعفر، موسوعه طبقات الفقهاء، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
- صابری، حسین، کتابخانه ابن شهر آشوب، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۹۳ش.
- صفدی، خلیل بن آیبک، الوافی بالوفیات، به کوشش ددرینگ، بیروت، ۱۳۹۴ق.
- عبدالامیر سلیم، «ابوالحسن جرجانی»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرة المعارف، ج ۵، ص ۳۳۴.
- قمی، عباس، الکنی و الالقاب، النجف الاشرف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۹ق.
- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، تحقیق محی الدین مامقانی، قم، موسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث، ۱۴۲۷ق.

- مرتضى علم الهدى، سيد، الشافى فى الامامه، تهران، مؤسسه الصادق عليه السلام، ١٤١٠.
- مزى، يوسف بن عبدالرحمن، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، تحقيق بشار عواد، بيروت، مؤسسه الرسالة، ١٤٠٠ق.
- ميرداماد، حسينى مرعشى، الرواشح السماوية، قم، مكتبة آيت الله مرعشى النجفي، ١٤٠٥ق.
- نورى، حسين، خاتمه مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاهياء التراث، ١٤٠٨ق.
- _____، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاهياء التراث، ١٤٢٩.
- Encyclopedia of Islam (new edition), Leiden, Brill publication, 1986.

پژوهش نامه تاريخ تشيع

سال اول، شماره ٤،
زمستان ١٣٩٨



پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸